

امکان‌سنجی درج نشانه‌های نگارشی در متن قرآن کریم*

محسن توکلی^۱

محمد رضا ستوده‌نیا^۲

رضا شکرانی^۳

چکیده

امکان درج نشانه‌های نگارشی کنونی در قرآن کریم با یک چالش روبروست. از یک طرف، اهداف و فواید نشانه‌گذاری ما را به درج این نشانه‌ها در قرآن کریم تشویق و ترغیب کرده و از سوی دیگر، مقدس بودن قرآن کریم یا شبهه کافی بودن علائم وقف و ابتدا، ما را از این کار باز می‌دارد. تنافی داشتن این نشانه‌ها با رسم المصحف، تحمیل یک تفسیر بر قرآن کریم و بدعت بودن این کار، از جمله شبهات مطرح شده در این زمینه است. این مقاله با یک شیوه تاریخی-تحلیلی در پی رفع شبهات مطرح و رفع این چالش است. به همین منظور ابتدا کم و کیف نشانه‌های نگارشی، اهداف، فواید و ضرورت این نشانه‌ها در متن را روشن و عدم همپوشانی علائم وقف و ابتدا و نشانه‌های نگارشی را آشکار کرده و سپس با بررسی پیشینه این نشانه‌ها در زبان عربی و همچنین پیشینه نگارش قرآن کریم و جداسازی مسأله رسم المصحف از ضبط المصحف، درج این نشانه‌ها در قرآن کریم را از نظر مفهومی و مصداقی مسبوق به سابقه و بدون اشکال و به عبارتی ممکن، بلکه مستحسن دانسته است.

واژگان کلیدی: رسم المصحف، علم الضبط، قرآن، نشانه‌های نگارشی، وقف و ابتدا.

* دریافت: ۹۷/۰۸/۱۰ پذیرش: ۹۸/۰۱/۱۶ (مقاله پژوهشی).

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اهل البیت، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)/

m.salehin@chmail.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان / m.sotudeh@ltr.ui.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان / r.shokrani@ltr.ui.ac.ir

۱- مقدمه

امروزه کاربرد نقطه، درنگ‌نما، علامت نقل قول و مانند آن، در متون مختلف و در زبان‌های مختلف امری رایج و اجتناب‌ناپذیر شده است تا جایی که عدم درج این نشانه‌های نگارشی در متن، نوعی کاستی در نگارش به حساب آمده و معمولاً، نویسندگان در صورتی که خود دستی در این کار نداشته باشند، متن خود را برای درج این نشانه‌ها در آن، به ویراستار می‌سپارند. زبان عربی نیز از این قاعده مستثنا نیست. در این میان، برای آشنا با قرآن کریم ممکن است این پرسش ایجاد شود که آیا این نشانه‌ها را در متن قرآن کریم نیز می‌توان وارد کرد؟ به بیان دیگر، چرا تا کنون این نشانه‌ها در متن قرآن کریم درج نشده است؟ اهداف، ضرورت‌ها یا ممنوعیت درج این نشانه‌ها در متن قرآن کریم چیست؟ این مقاله در پی پاسخگویی به این پرسش‌ها و به عبارتی، امکان‌سنجی درج نشانه‌های نگارشی در قرآن کریم است.

تا آنجا که بررسی شد، در زبان فارسی تنها شمس السادات حسینی در رساله دکتری خود با عنوان «نقش علائم نگارشی معاصر در فهم آیات قرآن کریم»، هشت نشانه نگارشی را در برخی از آیات قرآن کریم درج کرده و تأثیر آن را بر فهم بهتر آیات متذکر شده است. او همچنین، در مقاله‌ای به این نام که مستخرج از رساله است، دو خط فاصله «--» را به نشانه جمله معترضه در آیات قرآن بررسی کرده است، اما در هیچ کدام، نه مقاله و نه رساله، بحثی کامل از امکان درج این نشانه‌ها در قرآن نشده، بلکه این امر بدیهی و به عنوان پیش‌فرض تحقیق تلقی شده است. در متون عربی نیز، جز اشاراتی کوتاه در چند کتاب نگارشی در مورد درج این نشانه‌ها در قرآن کریم سخن مکتوبی وجود ندارد. این اشارات در ادامه تحقیق خواهد آمد.

در نظر گرفتن سیر تاریخی نگارش در زبان عربی و همچنین، نگارش قرآنی از یک طرف، و اهداف و فواید نشانه‌های نگارشی از طرف دیگر، درج این نشانه‌ها در قرآن کریم را امری طبیعی و لازم جلوه می‌دهد. اما به نظر می‌رسد، وجود برخی شبهات در این زمینه، تا کنون مانع درج این نشانه‌ها در قرآن کریم شده است. برخی از این شبهات ناشی از عدم شناخت کم و کیف نشانه‌های نگارشی یا نگارش کنونی قرآن کریم در دو حوزه رسم یا ضبط و بیشتر بی‌توجهی یا ناآشنایی با پیشینه آن‌هاست. به همین سبب، این مقاله با توصیف نگارش و نشانه‌های نگارشی در زبان عربی و قرآن کریم و بیشتر با تبیین پیشینه آن‌ها، به شیوه تاریخی-تحلیلی و گاهی توصیفی-تحلیلی در پی رفع این شبهات است.

۲- تعریف و تبیین نشانه‌های نگارشی

نشانه‌های نگارشی معمولاً در منابعی با نام «نگارش و ویرایش»، «راهنمای چاپ و تحقیق کتاب یا رساله»، «قواعد املاء و انشاء» یا «نقد متن» مورد بررسی قرار گرفته‌اند. هرچند منابع

محدودی به طور مستقل در موضوع مورد بحث در زبان‌های مختلف وجود دارد، در این منابع معمولاً دو اصطلاح «نشانه‌گذاری» و «نشانه‌های نگارشی» مورد تعریف قرار گرفته‌اند. بسیاری از منابع نیز خود را از تعریف این نشانه‌ها بی‌نیاز دانسته و تنها از اهداف و ضرورت وجود آن‌ها در متن، سخن به میان آورده و گاهی به مقایسه‌ی این نشانه‌ها با سایر پدیده‌ها پرداخته‌اند. اما برخی به تعریف دو اصطلاح یاد شده پرداخته‌اند. اصطلاح «نشانه‌گذاری» را در فارسی «نقطه‌گذاری»، «سجاوندی کردن» یا «ویرایش فنی» نیز می‌نامند (طریقه‌دار، ۱۳۸۳، ص ۲۴۱). این اصطلاح را در زبان عربی، «ترقیم» (زکی پاشا، ۱۳۳۰، ص ۱۴)؛ در زبان فرانسوی، «punctuation»؛ و در زبان انگلیسی، «punctuation» نامیده‌اند (صفا، ۱۳۷۴، ص ۱۵). از آنجا که موضوع مقاله، درج نشانه‌های نگارشی در قرآن کریم بوده و این کتاب به زبان عربی است، در اینجا این دو اصطلاح از منابع عربی معرفی می‌شوند. مهمترین تعریف‌هایی که از «نشانه‌گذاری» آورده‌اند، چنین است:

- «نشانه‌گذاری قرار دادن نشانه‌های خاص در بین نوشته به جهت مشخص کردن جایگاه‌های فصل، وقف، ابتدا و انواع تکیه‌های صوتی و اهداف کلامی در بین قرائت است» (زکی پاشا، ۱۳۳۰، ص ۱۴).

- «نشانه‌گذاری قرار دادن علامت‌ها بین اجزاء کلام مکتوب جهت جداسازی برخی از آن از برخی دیگر، یا متنوع کردن صوت با آن هنگام قرائت است» (عاشور، ۱۳۹۷، ص ۱۱).

- «نشانه‌گذاری در نوشته، قرار دادن نشانه‌های مصطلح و مشخص بین جمله‌ها یا کلمات به جهت آسان‌سازی عملیات تفهیم از سوی نویسنده و فهم از سوی خواننده است» (ابراهیم، ۱۳۹۵، ص ۹۵).

برخی نیز، اصطلاح «نشانه‌های نگارشی» را تعریف کرده‌اند:

«نشانه‌های چاپی جدیدی است که جمله‌ها و عبارات‌ها را از هم جدا کرده یا نشان دهند استفهام یا تعجب و مانند آن است» (محمد هارون، ۱۴۱۸، ص ۸۵).

سه رکن مشترک تعریف‌هایی که از دانشمندان معروف این رشته در زبان عربی آورده شد؛ «نشانه‌ها»، «اجزاء نوشته» و «اهداف به کارگیری این نشانه‌ها» است. اشاره به «نشانه‌های چاپی جدید» در سخن عبدالسلام محمد هارون نیز، به این خاطر است که نشانه‌های نگارشی با ورود صنعت چاپ به کشورها در نوشته‌های اهل آن کشور راه یافته و آرام‌آرام رایج شده‌اند. این نشانه‌ها قطعاً تعریف شده و به صورت یک اصطلاح در آمده‌اند. اهداف به کارگیری این نشانه‌ها

نیز متفاوت است که در ادامه خواهد آمد. بنابراین، می‌توان نشانه‌های نگارشی را این گونه تعریف کرد:

نشانه‌های اصطلاحی خاص که با اهداف معنایی- دستوری، آوایی و زیبایی در بین اجزاء یک نوشته قرار داده می‌شوند، «نشانه‌های نگارشی» و قرار دادن آن‌ها در متن را «نشانه‌گذاری» می‌گویند.

۲-۱- دسته‌بندی، کمیّت و کیفیت نشانه‌های نگارشی

با گسترش رایانه و خط‌های رایانه‌ای (و به‌ویژه، با گسترش شبکه‌های اجتماعی)، نشانه‌های نگارشی گسترده و فراوان شده‌اند؛ اما شاید بتوان معمول‌ترین نشانه‌ها را که در کتاب‌ها و نوشته‌های چاپی معمولی مورد استفاده قرار می‌گیرد، در سی و دو مورد احصاء کرد (ر.ک. ادیب سلطانی، ۱۳۷۴، صص ۷۱-۷۴). تا کنون دسته‌بندی‌هایی از این نشانه‌ها ارائه شده است که در یک جمع‌بندی می‌توان آن‌ها را به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

۱) **نشانه‌های اصلی:** اصلی‌ترین نشانه‌های نوشته که اجزاء رایج‌ترین جمله‌های یک زبان و محل‌های درنگ کوتاه و بلند را نمایان می‌سازند؛ شامل «درنگ‌نما»، «نقطه‌بند» و «نقطه»؛
۲) **نشانه‌های غرض‌های خاص کلامی:** نشانه‌هایی که علاوه بر وقف، لحن و آهنگ جمله و برخی غرض‌های خاص کلامی را نمایان می‌سازند؛ شامل «دونقطه»، «نشانه پرسش» و «نشانه توجه»؛

۳) **نشانه‌های دربرگیرنده و جداکننده:** نشانه‌هایی که کمتر از دو نوع اول به کار رفته و با جداسازی اجزاء کلام یا کنار هم قرار دادن آن، باعث زیباسازی و مرتب‌شدن متن و گاهی حفظ امانت در کلام می‌شوند؛ شامل «نشانه نکته»، انواع «خط»، «نشانه نقل قول»، «دو هلال»، انواع «ستاره» و «نشانه مکث و التفات»؛

۴) **نشانه‌های مشترک:** نشانه‌هایی که احیاناً کارکرد یکسان با سایر نشانه‌ها دارند و بسته به سلیقه نویسنده انتخاب شده و به کار گرفته می‌شوند؛ برای نمونه، نشانه التفات (یعنی تغییر ناگهانی از یک موضوع به موضوع دیگر) می‌تواند: «سه ستاره»، «نقطه‌چین»، «خط کشیده» یا «چند سطر فاصله» باشد؛

۵) **نشانه‌های ساختاری:** این نشانه‌ها صورت نوشتاری نداشته و معمولاً برای صفحه‌بندی و آرایش متن از آنها استفاده می‌شود؛ شامل پررنگ کردن نوشته، ایرائیک کردن واژه یا عبارت، در ابتدای سطر آوردن یا فرورفتگی ابتدای سطر و فاصله گذاشتن بین سطرها (نیکوبخت، ۱۳۹۰، صص ۲۷/۳، ۱۳۹۷، صص ۱-۳/آرام، ۱۳۴۰، صص ۱۴).

۲-۲- پیشینه نشانه‌های نگارشی در زبان عربی

بررسی سیر تغییر و تحول نگارش عربی نشان می‌دهد که نویسندگان عرب، نشانه‌های نگارشی را در قرن نوزدهم میلادی از متون اروپایی گرفته و برای زبان عربی بومی‌سازی کرده‌اند، یعنی همان زمانی که این نشانه‌ها در زبان‌هایی اروپایی منظم و استانداردسازی شدند (ادیب سلطانی، ۱۳۷۴، ص ۷۱). بررسی تفصیلی پیشینه این نشانه‌ها در زبان‌های اروپایی و سپس، عربی مجال دیگری می‌طلبد. در اینجا تنها اشاره کوتاهی به پیشینه این نشانه‌ها در زبان عربی انجام می‌گیرد.

بنابر آنچه مشهور است، اولین کسی که نشانه‌های نگارشی کنونی را برای زبان عربی پیشنهاد داده و مبدع این نوشته در زبان عربی است، نویسنده و دانشمندی به نام احمد زکی پاشا (۱۸۶۷-۱۹۳۴) است (محمد هارون، ۲۰۰۵، ص ۷۰)، اما بررسی‌هایی که در مورد سیر تحول نشانه‌های نگارشی در زبان عربی انجام شده، از جمله مقاله محمود مصطفی نشان می‌دهد که این کار کمی پیش‌تر و توسط احمد فارس شدیاق (۱۸۰۴-۱۸۸۷م) انجام شده است (مصطفی، ۲۰۱۶، ص ۱۵۹).

۲-۲-۱- شدیاق و شربنو

برای اولین بار احمد فارس شدیاق در سال ۱۸۳۹م. در مالت (به عربی: مالطة) در کتاب خود «اللفیف فی کل معنی طریف» نشانه‌های نگارشی غربی (درنگ‌نما، خط فاصله، نشانه توجه، نشانه پرسش، نشانه نقل قول و نقطه) را به کار گرفت و در مقدمه کتاب از این نشانه‌ها و شیوه به کارگیری آن‌ها نام برد. این کار او بعداً با شکست مواجه شد و حتی در کتب بعدی او به کار گرفته نشد و آرام‌آرام حذف شد (جیوفری، ۱۴۲۴، ص ۱۹۴).

بعد از شدیاق، یک مستشرق فرانسوی به نام جاک آگوست شربنو^۱ (۱۸۱۳-۱۸۸۲) دومین کسی است که به نشانه‌های نگارشی در زبان عربی توجه کرد. او صاحب سه کتاب به زبان عربی است که در این کتاب‌ها ۸ نشانه رایج (نقطه، درنگ‌نما، نقطه بند، دو نقطه، نشانه پرسش، نشانه توجه، نشانه حذف، خط کشیده) و یک نشانه خاص سنتی عربی (یکی از شکل‌های دایره) را به کار گرفت. تجربه هشت ساله او در به کارگیری نشانه‌ها، کامل‌ترین تجربه بعد از شدیاق تا آن زمان است (مصطفی، ۲۰۱۶، صص ۱۶۲-۱۶۵).

1. Jacques Auguste Cherbonneau

۲-۲-۲- نشریات و کتب نیمه دوم قرن نوزدهم

برخی از نشریات و کتبی که در نیمه دوم قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم در لبنان، عراق، مصر و پاریس منتشر شده از جمله روزنامه «أبو نظارة زرقاء» است که یعقوب صنوع (۱۸۳۹-۱۹۱۲م) از سال ۱۸۷۸م. در پاریس منتشر می‌کرده، یا مجله «المشرق» که لوئیس شیخو (۱۸۵۹-۱۹۲۷م) از سال ۱۸۹۸م. در بیروت منتشر می‌کرده، یا کتاب‌هایی که این سال‌ها در چاپخانه «الیسوعیه» در بیروت منتشر می‌شده یا مجله «لغة العرب» که أنستانس کرملی (۱۸۶۶-۱۹۲۷م) از سال ۱۹۱۱م. در بغداد منتشر می‌کرده، سومین قدم در ترویج این نشانه‌ها در زبان عربی بوده است (مصطفی، ۲۰۱۶، ص ۱۸۳).

۲-۲-۳- احمد زکی پاشا

در سال ۱۹۱۲م. احمد زکی پاشا کتابی به نام «الترقیم و علاماته فی اللغة العربیة» در ۴۷ صفحه نوشت و برخی از نشانه‌های نگارشی را به وزرات معارف مصر پیشنهاد داد. او در این کتاب نشانه‌گذاری را «ترقیم» نامید و برای تک‌تک نشانه‌ها در زبان عربی نامی را پیشنهاد داده است (زکی پاشا، ۱۳۳۰، صص ۶-۱۳). این کتاب ظاهراً اولین کتاب مستقل در زمینه نشانه‌های نگارشی در زبان عربی است و به عنوان یک کتاب پایه، منبع آثار بعدی در این زمینه است. پذیرفتن اصطلاح «ترقیم» و همه نشانه‌های نگارشی پیشنهادی او در کتابش پس از او، نشانگر میزان تأثیر این کتاب بر آثار بعدی است.

۲-۲-۴- وزارت معارف مصر

دستور ملک فؤاد اول (۱۸۶۸-۱۹۳۶م) به وزارت معارف مصر برای یکسان‌سازی نشانه‌های نگارشی اولین قدم برای ترویج نشانه‌های پیشنهادی احمد زکی پاشا شد. در اثر این دستور، برخی همچون محمود احمد خلیل در سال ۱۹۲۹م. در پاسخی با عنوان «فی سبیل اللغة العربیة» به نشانه‌های نگارشی پرداختند (محمود مصطفی، ۲۰۱۶، ص ۱۵۶). وزارت معارف مصر نیز، گروهی را برای این کار تشکیل داد و در تاریخ ۱۹۳۰/۷/۲۶م. دستور العملی را صادر کرد که در سال ۱۹۳۱م. تحت عنوان «حروف التاج و علامات الترقیم و مواضع استعمالها» منتشر شد (عبد التواب، ۱۴۰۶، ص ۲۰۴).

۲-۲-۵- مجمع اللغة العربیة در قاهره و دمشق

«مجمع اللغة العربیة» در قاهره در سال ۱۹۵۸م. و سپس، در دمشق به سال ۲۰۰۹م. دومین و سومین مرکز تأکید کننده نشانه‌های احمد زکی پاشا به حساب می‌آید. این مراکز با تشکیل کار

گروه‌هایی به بحث نشانه‌های نگارشی در زبان عربی پرداخته، برخی از نشانه‌ها را به نشانه‌های پیشین اضافه کرده و نام برخی از نشانه‌ها را تغییر داده است (ضیف، ۱۴۰۴، ص ۱۸۶/ محمود مصطفی، ۲۰۱۶، صص ۱۵۷-۱۵۸).

۳- ریشه‌یابی علت‌های عدم درج نشانه‌های نگارشی در متن قرآن کریم

همانطور که گذشت، ۱۷۸ سال پیش (در سال ۱۸۳۹م) شذیاق نشانه‌های نگارشی جدید را در متون عربی به کار برد، ۱۰۵ سال پیش (در سال ۱۹۱۲م) احمد زکی پاشا قواعد آن را در زبان عربی مکتوب کرد، ۸۶ سال پیش (در سال ۱۹۳۱م) این نشانه‌ها با دستورالعمل وزرات معارف مصر رسمیت و ۵۹ سال پیش (در سال ۱۹۵۸م) با دستورالعمل «مجمع اللغة العربية» مصر در متون عربی عمومیت یافت. حداقل از این زمان اخیر به بعد، این نشانه‌ها به عنوان یک ضرورت در متون معمولی زبان عربی وارد شده است و کسی در ضرورت به کارگیری آن‌ها در نوشته‌های چاپی به زبان عربی تردیدی ندارد. با این حال، در کاربست این نشانه‌ها در قرآن کریم تردیدهایی وجود دارد. برخی از دانشمندانی که به‌طور خاص در زمینه‌ی نشانه‌های نگارشی در زبان عربی تحقیق و تألیف داشته‌اند، این کار را جایز دانسته‌اند. فخرالدین قباوه درج نشانه‌های نگارشی را در آیات قرآن کریم هنگامی که در تحقیقات و نشریات عربی به کار می‌رود و بلکه در مصحف‌های شریف که مطابق رسم توقیفی عثمانی چاپ می‌شود، جایز می‌داند (قباوه، ۱۴۲۸، ص ۷۰). عبد الفتاح احمد حموز نیز، با اینکه به این کار تصریح نکرده است، اما در بخش دوم کتاب خویش (آنجا که از نشانه‌های جدید سخن می‌گوید) در موارد متعددی از آیات قرآن کریم مثال آورده و نشانه‌های نگارشی را در آن‌ها درج کرده است (نک. پی‌نوشت شماره ۱).

برخی دیگر از دانشمندانی که به نشانه‌های نگارشی در زبان عربی توجه کرده‌اند، درج این نشانه‌ها را در قرآن کریم صحیح ندانسته‌اند. احمد زکی پاشا در کتاب خود (الترقیم و علامات فی اللغة العربية) مثال‌هایی را از قرآن کریم انتخاب کرده و نشانه‌های ویرایشی را در آن‌ها وارد کرده است؛ با این وجود، او قرآن را از ورود این علامات مستغنی می‌داند و دلیل آن را این می‌داند که علمای قرائت متکفل این کار شده و علامت‌هایی وضع کرده‌اند (زکی پاشا، ۱۳۳۰، ص ۱۳). محمد تونجی نیز آورده است که: «لا يجوز استخدامها في القرآن الكريم مطلقاً» (تونجی، ۱۴۲۳، ص ۱۳۵)، ولی دلیل این مخالفت را بیان نمی‌کند. شاید بتوان دلیل این مخالفت را در کلام یوسف عبدالله جستجو کرد. او نشانه‌های معنادار را در نوشته، ترقیم؛ در سخن، تنغیم؛ و در قرآن کریم،

تنها و تنها تجوید می‌داند و سپس، علت را چنین بیان می‌کند که کلام خدا منزّه از این است که کلام بشر همانند آن باشد (الجوارنة، ۲۰۰۲، ص ۴۰). بنابر آنچه ذکر شد، کافی دانستن نشانه‌های وقف و ابتدا و مقدس بودن قرآن کریم، از جمله دلایل عدم درج این نشانه‌ها در قرآن کریم از سوی مخالفان آن است که به صراحت بیان شده است. به همین خاطر ابتدا این دو استدلال و سپس، دلایل دیگر بررسی خواهد شد.

۳-۱- کافی دانستن نشانه‌های وقف و ابتدا

همانطور که ذکر شد، برخی، نشانه‌های وقف و ابتدا در قرآن کریم را جایگزین نشانه‌های نگارشی امروزی می‌دانند. در حالی که کمیّت و کیفیت نشانه‌های نگارشی به گونه‌ای است که علائم وقف و ابتدای رایج کنونی به هیچ‌وجه با آن‌ها همپوشانی ندارد؛ چرا که مطابق دسته‌بندی انجام شده از نشانه‌های نگارشی، این نشانه‌ها به شش گروه قابل تقسیم است و علائم وقف و ابتدا را اگر بخواهیم نشانه‌هایی نگارشی بنامیم، تنها در دسته اول جای می‌گیرد.

از آنجا که بررسی تک‌تک نشانه‌های وقف و ابتدا در قرآن کریم و همچنین، نشانه‌های نگارشی در سایر متون، پژوهش جداگانه‌ای می‌طلبد و این مقاله تنها در پی امکان‌سنجی درج نشانه‌های نگارشی امروزی در قرآن کریم است، بهترین راه برای نشان دادن عدم همپوشانی این دو دسته نشانه، درج نشانه‌های نگارشی در صفحه‌ای از قرآن کریم به صورت اتفاقی و مقایسه بین آن دو است. تصویر زیر یک صفحه از قرآن کریم، شامل آیات ۱۳۸ تا ۱۴۳ از سوره اعراف است که نگارنده، نشانه‌های نگارشی را در آن درج کرده است. این صفحه، از نسخه‌ای از قرآن کریم با علائم وقف و ابتدای خلف الحسینی (نک. پی‌نوشت شماره ۲) انتخاب شده است:

وَجَوْرًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَانِهِمْ. قَالَ لَهُ
 مُوسَى! اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ. قَالَ: «إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ.» ﴿١٣٨﴾ إِنَّ هَذِهِ
 أُمَّتُكُمْ وَمَا هُمْ فِيهِ وَيَنْطَلِقُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ. ﴿١٣٩﴾ قَالَ: «أَعَزَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ آلِهَاتُكُمْ
 وَقُلُوبُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ.» ﴿١٤٠﴾
 وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ مِنْ قَالٍ فَذُوقُوا سَوْمُومَ نَارِ الْعَذَابِ بِمَا كُنْتُمْ
 تَكْفُرُونَ. ﴿١٤١﴾ وَذُوقُوا سَوْمُومَ نَارِ الْعَذَابِ بِمَا كُنْتُمْ
 تَكْفُرُونَ. ﴿١٤٢﴾ وَذُوقُوا سَوْمُومَ نَارِ الْعَذَابِ بِمَا كُنْتُمْ
 تَكْفُرُونَ. ﴿١٤٣﴾

تصویر ۱: صفحه ۱۶۷ قرآن کریم همراه با علائم وقف و ابتدا خلف الحسینی و نشانه‌های نگارشی جدید

همانطور که مشاهده می‌شود، این صفحه بر اساس معنا به سه پاراگراف تقسیم و با یک فرورفتگی در ابتدای هر سطر مشخص شده است. علاوه بر این، نشانه ساختاری، نشانه‌های اصلی شامل نقطه- بند(؛) پس از جمله‌هایی که دارای ارتباط معنایی وثیق با جمله بعد است، نقطه(.) در پایان جمله‌های تام‌المعنا، درنگ‌نما(،) پس از جمله‌ها یا عبارت‌های عطف شده، در این صفحه به کار رفته است. این نشانه‌ها که نشان دهنده درنگ‌های کوتاه و بلند است، معمولاً با علائم وقف و ابتدا در اهداف نزدیک‌اند؛ ولی در قرآن‌های امروزی، معمولاً تکلیف همه بندها و جمله‌ها با علائم وقف و ابتدا مشخص نمی‌شود. به همین خاطر، در این صفحه از قرآن کریم تنها ۸ علامت وقف و ابتدا و ۴۳ نشانه نگارشی جدید به کار رفته است. بنابراین، علائم وقف و ابتدا دلالتی بر نشانه‌های ساختاری نداشته و از لحاظ کمی نیز، از تعداد نشانه‌های نگارشی بسیار کمتر است.

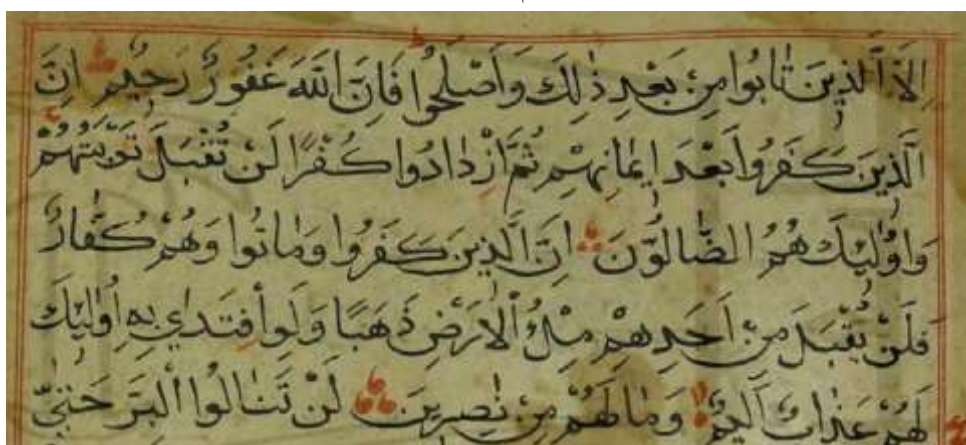
همچنین، در این صفحه از میان نشانه‌های غرض‌های خاص کلامی، دو نقطه(:) پس از ماده قول، علامت توجه(!) بعد از منادا یا جمله‌ی تعجبی، ترکیب علامت پرسش و توجه(؟!) بعد از استفهام انکاری به کار رفته است. این نشانه‌ها که علاوه بر وقف، لحن و آهنگ جمله را مشخص می‌کنند، دلالتی فراتر از نشانه‌های وقف و ابتدا دارند. علامت نقل قول(☉) هم که برای مشخص کردن جملات نقل قول شده در این صفحه به کار رفته و به طور کلی نشانه‌های دربرگیرنده، دلالتی فراتر از نشانه‌های وقف و ابتدا دارند.

۳-۲- الهی بودن قرآن کریم

از دیگر دلایل عدم کاربست این نشانه‌ها در قرآن کریم از منظر مخالفان، الهی بودن این کتاب است. این وجه ممکن است به دو صورت بیان شود:

بیان اول اینکه، چون نشانه‌های نگارشی رایج، در کتاب‌های دیگر نیز وارد شده و قرآن کتابی متمایز از سایر کتب است، پس، نشانه‌های قرآن کریم باید متمایز از سایر کتاب‌ها باشد. در پاسخ به این وجه باید گفت که اولاً، تمایز قرآن کریم با سایر کتب در به کار بستن خط یا مرکب یا کاغذ آن نیست که البته، باید هر کدام در بهترین کیفیت خود باشد؛ بلکه در تألیف عالی کلمات و جملات آن و محتوای متعالی آن است. پس، همانطور که از خط نسخ یا جوهر یا کاغذ برای چاپ قرآن کریم استفاده می‌کنیم، می‌توانیم از نشانه‌های سایر کتب نیز برای جداکردن اجزاء قرآن بهره‌مند شویم.

بیان دوم اینکه، نشانه‌های نگارشی رایج عمدتاً از جهان غرب گرفته شده و متناسب با کتاب خدای متعال نیست. در پاسخ به این وجه باید گفت: همانطور که گذشت، هرچند این نشانه‌ها در قرن نوزدهم در غرب استانداردسازی شد و تقریباً در همین ایام، روشنفکران اهل چاپ و نشر کتاب، این نشانه‌ها را از کتاب‌های اروپایی به نوشته‌های عربی وارد کرده‌اند، اما این نشانه‌ها امروزه تقریباً بین‌المللی هستند و اهل علم و ادب به وفور آن‌ها را در نوشته‌های خود به کار گرفته‌اند. ضمن اینکه، برخی از این نشانه‌ها مانند نقطه و درنگ‌نما پیشینه‌ای دیرینه در نوشته‌های مسلمانان دارد و حتی ممکن است از کتاب‌های مسلمانان به جهان غرب راه یافته باشد همانطور که در بخشی از نسخه‌های قدیمی قرآن کریم از جمله نسخه یوسف سلیمان مشاهده می‌شود:



تصویر ۲: به کارگیری درنگ‌نمای سه گانه در انتهای آیات، نسخه‌ای از قرآن کریم به خط یوسف سلیمان در

سال ۸۴۵ ق در بخش نسخه‌های خطی دانشگاه ملک سعود، آدرس:

(<https://b2n.ir/158993>)

اضافه بر آنچه ذکر شد، نشانه‌های نگارشی همانند کاغذ و مرکب و دیگر ابزارهای چاپ، فرهنگ خاصی با خود ندارد که متناسب فرهنگ نورانی قرآن کریم نباشد و بنابراین، اگر کاملاً هم از غرب گرفته شده باشد، این امر منافاتی با مزین کردن قرآن کریم به این نشانه‌ها ندارد. غیر از دو دلیل ذکر شده، دلایل دیگری می‌تواند به عنوان مخالفت در درج نشانه‌های نگارشی در قرآن کریم ذکر شود که هرچند کسی به آن‌ها تصریح نکرده، اما اشاراتی به آن‌ها وجود دارد و در اینجا به عنوان شبهات مقدر به آن‌ها پرداخته و پاسخ داده می‌شود.

۳-۳- تحمیل کردن یک تفسیر بر قرآن کریم

از دیگر دلایل عدم کاربست این نشانه‌ها در قرآن کریم از منظر مخالفان، این است که انتخاب شخصی پژوهشگر و احساس او در تعبیر، گاهی نقش خودش را در به کارگیری این نشانه‌ها بازی می‌کند (تونجی، ۱۴۲۳، صص ۱۳۷-۱۳۸). بر این اساس، گمان بر این است که نشانه‌گذاری ملاک روشنی نداشته و بدون ملاک نمی‌توان در مورد عبارت‌ها و جمله‌های قرآن نظر داد. اما

همانطور که برخی ذکر کرده‌اند، نشانه‌گذاری را می‌توان به دو گونه «نشانه‌گذاری منطقی» و «نشانه‌گذاری سبکی» تقسیم کرد. در این صورت، نشانه‌گذاری منطقی به منظور نشان دادن روابط منطقی متصل کننده اجزاء جمله و امکان‌پذیر ساختن درک نظم، اتصال و انفصال محتوا، و نشانه گذاری سبکی برای منتقل کردن پاره‌ای مقاصد یا عواطف شخصی است (ادیب سلطانی، ۱۳۷۴، ص ۷۱). بنابراین، نشانه‌گذاری منطقی بی‌ملاک نیست و بر اساس اجزاء متن و روابط بینامتنی در آن قرار داده می‌شود. برای مثال، نقطه (.) نشانه مکث کامل است و آن را در پایان جملاتی قرار می‌دهند که در معنا و ساخت از بعد خود مستقل هستند و در این حالت متکلم یا قاری، سکوتی همراه با استراحت برای تنفس دارد (زکی پاشا، ۱۳۳۰، ص ۲۲). بنابراین، یکی از موارد کاربرد این نشانه بدون اختلاف، انتهای پاراگراف‌های قرآنی یعنی جمله‌های مستقلی است که با جمله بعدی از نظر فکر اصلی و مضمون اختلاف دارد. برای مثال، آیات ۷۷ تا ۸۷ سوره مبارکه مریم شامل سه پاراگراف است که در انتهای هر یک نقطه قرار داده می‌شود:

﴿أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِينَ مَالًا وَوَلَدًا ۗ۷۷ أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَانِ عَهْدًا ۗ۷۸
كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا ۗ۷۹ وَنَرْتُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا. ۸۰﴾
﴿وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا ۸۱ كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ
ضِدًّا. ۸۲﴾

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَوَسُّوهُمْ أَرْزَاقًا ۸۳ فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَذَابًا ۸۴ يَوْمَ
نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَانِ وَفْدًا ۸۵ وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وَرْدًا ۸۶ لَّا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ
اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَانِ عَهْدًا. ۸۷﴾

این شبهه را می‌توان به صورت دیگر نیز مطرح کرد و آن اینکه نشانه‌های نگارشی یک تفسیر تحمیلی بر قرآن کریم است و اگر تا کنون انجام نشده، به خاطر این بوده است که برداشت‌های چندگونه از آیات قرآن کریم امکان‌پذیر باشد. در پاسخ به بخش اول استدلال باید گفت: هرچند نشانه‌های نگارشی با معنا و ساختار دستوری مرتبط هستند و بدون فهم معنای آیات و جملات نمی‌توان آن‌ها را در بین اجزاء کلام قرار داد و بنابراین، این کار احیاناً نوعی تفسیر بر قرآن کریم است، اما لزوماً این تفسیر تحمیلی نیست، بلکه اگر درج این نشانه‌ها در آیات بر اساس قواعد فهم و تفسیر آیات باشد، صحیح و قابل دفاع است؛ چرا که نوشتن تفسیر یا ترجمه برای قرآن کریم نیز دقیقاً با همین شرط صحیح است. در پاسخ به بخش دوم استدلال باید گفت: در مواردی که برداشت‌های گوناگونی از یک آیه وجود دارد و قرار دادن این نشانه‌ها برخی از آن‌ها را حذف

می‌کند؛ در صورتی که آن برداشت‌ها وجه دستوری و معنایی صحیحی دارد، می‌توان به چند شکل مختلف این نشانه‌ها را در آیه درج کرد؛ همانطور که در علائم وقف و ابتدای کنونی نیز چنین است. برای مثال، می‌توان به تفاوت وضع علائم وقف و ابتدا در آیه ۷ سوره مبارکه آل عمران در دو تصویر زیر توجه کرد:

فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦﴾ هُوَ
الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ
وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ
مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ
وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَأَمَّنَّا بِهِ ؕ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ
إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٧﴾ رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ

تصویر ۳: آیه ۷ سوره آل عمران: قرآن، (۱۳۷۶/۶/۲۰ ش)، پرونده شماره ۹۰، قم: انتشارات دفتر

مطالعات تاریخ و معارف اسلامی

فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦﴾ هُوَ
الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ
وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ
مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ
وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَأَمَّنَّا بِهِ ؕ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ
إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٧﴾ رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ

تصویر ۴: آیه ۷ سوره آل عمران: قرآن، (۱۳۷۸/۱۰/۲۵ ش)، پرونده شماره ۱۳۱، قم: انتشارات

مدرسه امام علی بن ابیطالب

۳-۴- بدعت بودن درج نشانه‌های نگارشی در قرآن کریم و مخالفت اهل سنت با آن از دیگر دلایل عدم درج این نشانه‌ها در قرآن کریم از منظر مخالفان، بدعت بودن آن و مخالفت اهل سنت یا به طور کلی جهان عرب با آن است. در پاسخ باید گفت که اولاً، هرچند این کار در مورد نگارش قرآن کریم کاری جدید و به تعبیری بدعت است، اما هر جدیدی ناپسند

و مذموم نیست و قرار دادن این کار در شمار بدعت‌های غیر شرعی بدون دلیل است. ثانیاً، اهل سنت نیز مانند شیعه دارای نظر واحدی در این زمینه نیستند و همانطور که نقل شد، برخی از اهل سنت با آن موافق بوده و هستند. چنانچه وقتی زکی پاشا یا عبدالفتاح احمد حموز این نشانه‌ها را در کتب خویش در آیات قرآن کریم وارد کردند، حساسیتی در جهان اسلام ایجاد نکرد. البته، ممکن است این‌گونه پاسخ داده شود که این کار به صورت موردی در لابه‌لای کتاب‌ها بوده و توجه کسی را به خود جلب نکرده است. در پاسخ باید گفت: همانطور که نقل شد، برخی درج این نشانه‌ها را در مصحف‌های کامل با رسم‌الخط عثمانی نیز جایز دانسته‌اند و حتی این کار، سال‌ها پیش به تأیید گروه «افتاء» در دانشگاه الأزهر مصر نیز رسیده است.

بنابر آنچه مجله مصری «الرسالة» در شماره ۲۱۶ به تاریخ ۸/۲۳/۱۹۳۷م. با عنوان «البرید الأدبی» به قلم خلیل عطاء الله آورده است، محمود عقیفی در ضمن چند پیشنهاد در مورد چاپ قرآن کریم به گروه افتاء در دانشگاه الأزهر پیشنهاد می‌دهد که نشانه‌های نگارشی وسط جمله‌های قرآنی قرار گیرد و نه بالای آن‌ها و در واقع، نظر آنان را جویا می‌شود. گروه افتاء به این پیشنهاد پاسخی می‌دهد که ترجمه خلاصه آن چنین است:

در مصحف کریم چه در قدیم و چه هم اکنون، نشانه‌هایی بر برخی حروف یا کلمات و در وسط جمله قرار داده شده است تا چگونگی ادغام یا اخفاء یا حسن وقف یا لزوم یا امتناع و امثال آن را نشان دهد، و این گروه نیازی به تعدیل در آن‌ها نمی‌بیند؛ چون به خاطر اهداف خاصی که روشن است، در جای خود قرار گرفته‌اند. اما ایجاد نشانه‌های نگارشی دیگری که مثلاً جمله استفهامی یا مقول قول یا محذوف را نشان دهد، به شرطی که طوری قرار داده شود که موجب اشتباه قاری نشود، اشکالی ندارد؛ چرا که مصحف کریم پیش از این خالی از علامت‌های تعشیر و اعجام و نقطه‌ها و رموز وقف بوده و سپس ایجاد شده است و بسیاری از دانشمندان این کار را به خاطر حفظ آیات و ضبط اعراب به ویژه‌ها برای غیر عرب زبان‌ها خوب دانسته‌اند. زیلعی نیز (از دانشمندان حنفی مذهب) آورده است: این کار هر چند جدید، اما پسندیده است و چه بسیار چیزها که با اختلاف زمان و مکان تغییر می‌کند (ر.ک. عطاء الله، ۱۹۳۷).

۳-۵- اضافه نکردن چیزی به قرآن کریم در خط زمینه

از دیگر دلایل عدم کاربست این نشانه‌ها در قرآن کریم از منظر مخالفان، این است که علائم وقف و ابتدا یا نشانه‌های دیگر، بالای خط زمینه قرار می‌گیرند؛ ولی نشانه‌های نگارشی در خط

زمینه قرار گرفته، و شبهه افزودن به خط قرآن کریم یا به عبارت دیگر، مخالفت با رسم المصحف را در پی دارد. بررسی این موضوع مستلزم داشتن دیدی روشن از پیشینه نگارش قرآن کریم و حتی چاپ و نگارش کنونی قرآن کریم است. برای روشن شدن مسأله، ابتدا به سیر نگارش در زبان عربی و نگارش قرآنی به طور خلاصه اشاره شده و سپس، ارتباط آن با درج نشانه‌های نگارشی در قرآن کریم بیان می‌شود.

۳-۵-۱- سیر نگارش در زبان عربی و نگارش قرآنی

خط در شبه جزیره عربستان در طول زمان چه پیش از اسلام و چه پس از آن، در حال تغییر و تحول، بلکه پیشرفت و اصلاح بوده است (ر.ک. قدوری، ۱۴۲۵، صص ۱۳-۴۷) و از آنجا که نگارش قرآن کریم از همان ابتدا و همزمان با نزول آن انجام می‌شده (نک. پی‌نوشت شماره ۳) و در طول تاریخ ادامه داشته، هم‌زمان با پیشرفت خط، نگارش قرآن کریم نیز پیشرفت کرده است. نقطه عطف این سیر تاریخی، نگارش قرآن کریم در زمان عثمان بن عفان است. آن طور که معروف است و ابو عمرو دانی نیز در «المقنع» نقل کرده، عثمان (با اشاره حذیفة بن یمان به اختلاف مردم در مورد قرآن کریم) دستور یکسان‌سازی مصاحف را صادر کرد و بر این اساس، چهار یا هفت نسخه از قرآن به عنوان مصاحف اصلی و الگو، نگارش شد و به مهم‌ترین بلاد اسلامی فرستاده شد (الدانی، بی تا «الف»، ص ۱۹). این نسخه‌ها سال‌ها به عنوان الگوی نگارش در میان مردم وجود داشته و آن‌طور که برخی نقل کرده‌اند، آخرین آن‌ها (که در مسجد جامع دمشق وجود داشته و ابن کثیر (م. ۷۷۴ ق) و ابن بطوطه (م. ۷۷۹ ق) نیز آن را گزارش کرده‌اند) در آتش سوزی سال ۱۳۱۰ ق. از میان رفته است (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۱، صص ۳۵۱-۳۵۲). بنابراین، نسخه‌های عثمانی اینک وجود ندارند، ولی گزارش‌های آن‌ها در برخی کتب موجود است. (نک. پی‌نوشت شماره ۴).

نگارش قرآن کریم مطابق رسم الخط قرآن‌های عثمانی را امروزه شیوه «رسم المصحف» می‌نامند. در مقابل رسم المصحف، «رسم الإملاء» است. رسم الإملاء در واقع، نگارش امروزی کلمات است. برخی اختلاف این دو را در شش مورد محصور کرده‌اند: حذف (الف، یاء، واو و لام) در برخی موارد، اضافه کردن (الف، یاء و واو) در برخی موارد، تبدیل کردن (الف به واو یا یاء، نون به الف، تاء مربوطه به شکل تاء مفتوحه) در برخی موارد، نگارش همزه، فصل و وصل برخی کلمات به هم (زرقانی، بی تا، ج ۱، صص ۳۶۲-۳۶۶).

امروزه نگارش قرآن کریم بر اساس رسم المصحف یا رسم الإملاء هر کدام، موافقان و مخالفانی دارد (ر.ک. زرقانی، همان، صص ۳۷۳-۳۷۴/ علی الصغیر، ۱۴۲۰، ص ۱۳۹) و عده‌ای نیز

نگارش به هر دو صورت را دارای فواید و بر اساس آن جایز دانسته‌اند. (ر.ک. قدوری، ۱۴۲۵، صص ۲۲۹-۶۳۰).

مسأله نگارش قرآنی، روی دیگری هم دارد. آن طور که تاریخ نشان می‌دهد، نگارش قرآن کریم در دوره‌ای از زمان، بدون نقطه و شُکُل و اعراب و نشانه‌های خاص بوده است و ابو‌الأسود دؤلی (م ۶۹ ق) و سپس، دو شاگرد او، یحیی بن یعمر (م ۱۲۹ ق) و نصر بن عاصم (م ۷۹ ق) و همچنین، خلیل بن احمد فراهیدی (م ۱۷۰ ق) و چه بسا دیگران، خدماتی را در زمینه اصلاح شیوه نگارش قرآن انجام دادند. خدماتی همچون قرار دادن نقطه‌های اعراب، نقطه‌های حروف متشابه، تبدیل نقطه‌های اعراب به نشانه‌های شُکُل و اعراب کنونی، شکل سکون، تشدید، همزه و غیره (رامیار، ۱۳۶۹، صص ۵۲۷-۵۳۸).

آن طور که بزرگان این دانش نقل کرده‌اند، درج نقطه‌ها و نشانه‌ها در قرآن کریم در ابتدا با تردید انجام می‌شده است و عده‌ای از آن پرهیز داشته‌اند، اما بعد از مدتی این کار جایز، بلکه مستحب دانسته شد؛ بر اساس نظر ابن مسعود که می‌گفت: «لا تخلطوا بکتاب الله ما لیس منه» (سجستانی، ۱۴۲۳، ص ۳۱۷) یا به طور کلی احادیث «تجرید» (نک. پی‌نوشت شماره ۵)، با وجود اینکه از نقطه‌گذاری و درج نشانه‌ها در قرآن کریم سال‌ها می‌گذشت، باز عده‌ای در این کار احتیاط می‌کرده‌اند. آن‌چنان که ابوعمرو دانی در کتاب «نقط المصاحف» به این سبب و همچنین، به دلیل حفظ صورت رسم مصحف، نقطه‌گذاری را با رنگی غیر از رنگ رسم الخط جایز دانسته است (دانی، بی‌تا «الف»، ص ۱۳۰) و همو در کتاب «المحکم فی نقط المصاحف» آورده است که مالک بن انس پیشوای مذهب مالکیه می‌گفت: «مصحف‌هایی که کودکان بر اساس آن آموزش می‌بینند، اشکالی ندارد که نقطه‌گذاری شود، ولی مصحف‌های اصلی باید از نشانه‌ها خالی باشد» (همو، بی‌تا «ب»، ص ۱۱)؛ اما سرانجام رواج این کار و مطالبه مردمی، آرام‌آرام جواز آن را در مصحف‌های اصلی به همان رنگ رسم الخط صادر کرده و این کار و همچنین، زیبانگاری قرآن امری مستحب دانسته شد (ر.ک. نووی، ۱۴۲۱، ص ۱۷۳).

استحباب در زیبانگاری متن قرآن کریم و احياناً درج نشانه‌ها در آن، نگارش قرآن را عرصه هنرنمایی هنرمندان کرده و به تدریج نشانه‌هایی را به قصد روشن کردن معنا یا منظم و زیبا کردن متن قرآن کریم به آن اضافه کرده است. این نشانه‌ها گاهی بالا یا پایین خط زمینه و گاهی بر روی خط زمینه قرار می‌گرفته است. از جمله نشانه‌هایی که به متن قرآن کریم اضافه شده و بر روی خط زمینه قرار گرفته، شماره آیات است. رمضان عبدالتواب در این مورد می‌آورد: «در

قدیم به جای نقطه، یک دایره بین دو کلام قرار می‌دادند و بنابراین، بین دو آیه قرآن این دایره را قرار می‌دادند و سپس، شماره آیه را داخل این دایره قرار دادند و به همین خاطر شماره هر آیه بعد از آن قرار داده شده است» (عبدالنواب، ۱۴۰۶، ص ۴۳).

همانطور که در تصویر زیر مشاهده می‌شود، نشانه اتمام جزء یا حزب یا نصف و ثلث و ربع آن و همچنین، نشانه سجده‌های مستحب یا واجب نیز چنین است و روی خط زمینه قرار دارد. نشانه‌های حروف ناخوانا، علامات وقف و ابتدا، نشانه‌های حروف متروکه قرآن، برخی از نشانه‌های تجویدی مثل سکت، اخفاء، اقلاب، ادغام و مد نیز که بالا یا پایین خط زمینه قرار می‌گیرند، از جمله این نشانه‌ها هستند.

عَلَمَاتُ الْوَقْفِ وَتَعْطِلاتُ الْعَبْدِ

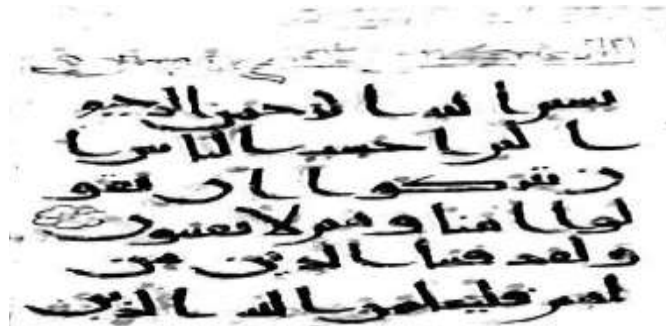
• تَبْدِئُ رُومِ الْوَقْفِ	• الدَّلَالَةُ عَلَى الْفَتْحِ وَالشُّوْبِ
• لَا تَبْدِئُ الْفَتْحِ مِنَ الْوَقْفِ	• الدَّلَالَةُ عَلَى الْإِدْخَالِ وَالْإِخْفَاءِ
• حَلْفُ تَبْدِئِ بَانَ الْوَصْلِ أَنْ لَا يَمَعَ جَوَازُ الْوَقْفِ	• الدَّلَالَةُ عَلَى وَجُوبِ الْتَلْقُنِ بِأَحْرُوفِ الْمَرْكُوبَةِ
• قَطْعُ تَبْدِئِ بَانَ الْوَقْفِ أَوْلَى	• الدَّلَالَةُ عَلَى وَجُوبِ الْتَلْقُنِ بِالرَّيِّبِ بِتَلْدِ الْعَبَادِ
• جَ تَبْدِئُ جَوَازِ الْوَقْفِ	• وَأَنَا وَصَفْتُ بِالْأَسْمَلِ فَالْتَلْقُنِ بِالسَّوَابِ شَهْرٍ
• ه تَبْدِئُ جَوَازِ الْوَقْفِ بِأَسْمِ الْمَوْجِبِينَ وَبِأَسْمِ الْكَلْبِيَّةِ	• الدَّلَالَةُ عَلَى رُومِ اللَّيْلِ الزَّائِدِ
• ه الدَّلَالَةُ عَلَى زِيَادَةِ الْكَرْفِ وَتَقْدِمِ الْتَلْقُنِ	• الدَّلَالَةُ عَلَى مَوْضِعِ الشُّجْرَةِ ، أَتَاكُلُهُ وَجُوبُ الشُّجْرَةِ
• ه الدَّلَالَةُ عَلَى زِيَادَةِ الْكَرْفِ بِعَيْنِ الْوَصْلِ	• فَتَدُ وَضِعَ فَوْقَهَا حَظُّ
• ه الدَّلَالَةُ عَلَى سُكُونِ الْكَسْرِ	• الدَّلَالَةُ عَلَى بَدَايَةِ الْأَجْرَةِ وَالْأَخْرَابِ وَالْمَصَادِقِ وَالرَّيْبِ
• ه الدَّلَالَةُ عَلَى وَجُوبِ الْإِقْلَابِ	• الدَّلَالَةُ عَلَى رَهَابَةِ الْآبَةِ وَرَهَابَتِهَا .

تصویر ۵: برخی از نشانه‌ها در مصحف مورد توافق وزارت‌ها و اداره‌های مربوطه در سوریه، مصر، عربستان سعودی و اردن

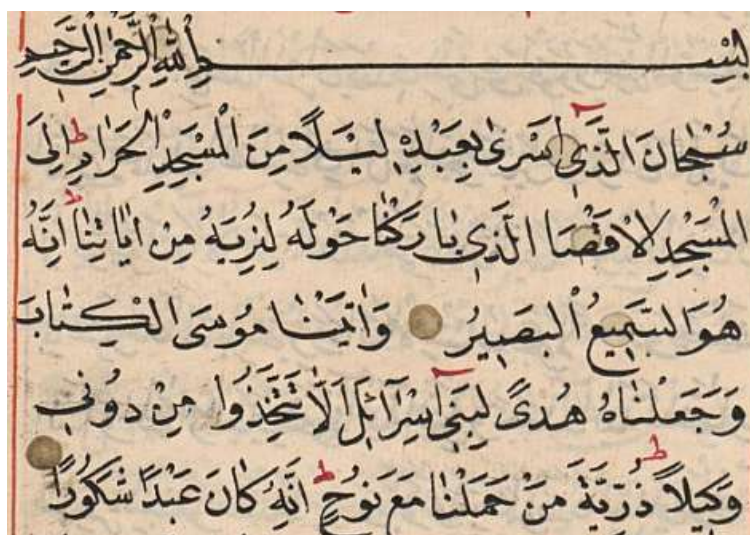
درج این نشانه‌ها در متن قرآن کریم که به «ضبط المصحف» معروف شده، در طول تاریخ نگارش قرآن کریم یکسان نبوده است. برای مثال، همانطور که در تصاویر زیر مشاهده می‌شود، نشانه پایان آیات گاهی به صورت پنج نقطه کوچک، گاهی یک گُل و گاهی دایره بوده است:



تصویر ۶: به کارگیری پنج نقطه در انتهای آیات، نسخه خطی کتابخانه کدبری دانشگاه بیرمنگام انگلستان، تخمین زده شده به سال ۶۴۵ میلادی به خط نسخ حجازی، آدرس: (<https://b2n.ir/872583>)



تصویر ۷: به کارگیری علامت یک گل در انتهای آیات، قرآن منسوب به امام هادی (ع) در کاخ موزه گلستان به شماره ۱۰۴۴ (رامین نژاد، ۱۳۸۹، ص ۲۰۰).



تصویر ۸: به کارگیری دایره در انتهای آیات، نسخه کتابخانه دیجیتالی دولتی برلین به شماره Ms. or. quart. 311. آدرس: <https://b2n.ir/064263>

بنا بر آنچه ذکر شد، نگارش قرآنی دارای دو حوزه رسم یا ضبط می‌باشد. در حوزه رسم، هرچند که برخی این کار را توقیفی و در واقع، رسم المصحف را ملاک نگارش قرآن ندانسته‌اند، ولی تعریفی که از اختلاف رسم الإملاء و رسم المصحف ارائه شد، نشان می‌دهد که درج نشانه‌های نگارشی خللی در رسم المصحف ایجاد نمی‌کند. در حوزه ضبط نیز آن‌طور که بیان شد، کسی ادعای توقیف نداشته و در طول تاریخ نگارش قرآن کریم، این کار همواره دستخوش تغییراتی بوده و درج نشانه‌های نگارشی در این حوزه نیز برای دست یافتن به اهداف و فواید لفظی و معنایی آن، بدون اشکال، بلکه پسندیده است.

نتیجه گیری

۱. از آنجا که حداقل از سال ۱۹۵۸ میلادی نشانه‌های نگارشی بین‌المللی در نوشته‌های عربی رایج و برای این زبان بومی شده‌اند و عدم درج این نشانه‌ها در متن، نوعی خلل و نقص محسوب می‌شود، درج این نشانه‌ها در قرآن کریم با شرایطی بدون اشکال، بلکه پسندیده است و اهداف سه‌گانه و فواید پنج‌گانه نشانه‌های نگارش مانع از آن است که از درج این نشانه‌ها در قرآن کریم صرف نظر کنیم.

۲. هرچند سلاقی شخصی نویسنده در نشانه‌گذاری مؤثر است؛ اما این، همه مسأله نیست؛ بلکه همچنان که در تاریخ نشانه‌گذاری مشهود است، در برابر «نشانه‌گذاری سبکی» یک «نشانه‌گذاری منطقی» هم وجود دارد که به دنبال برقرار کردن ارتباط صحیح اجزای کلام است. این سبک از نشانه‌گذاری، تعریف شده و دارای چهارچوب است و در مرحله اول، هدف از نشانه‌گذاری متن قرآن کریم، همین نوع از نشانه‌گذاری است. البته، در این نوع از نشانه‌گذاری هم با توجه به اختلاف در معنا و نحو قرآن کریم، ممکن است اختلافاتی پیش آید، ولی همانطور که نشانه‌های وقف و ابتدا به صورت‌های گوناگون در متن قرآن کریم درج شده است، این نشانه‌ها را هم می‌توان در نسخه‌های گوناگون به صورت‌های مختلف در این متن مقدس درج کرد.

۳. با توجه به بین‌المللی بودن نشانه‌های نگارشی و بومی شدن آن برای زبان عربی، الهی بودن قرآن کریم مانع از درج این نشانه‌ها در این کتاب نخواهد بود. ضمن اینکه، درج برخی از این نشانه‌ها مانند نقطه و درنگ‌نما توسط مسلمانان در متون مقدس از جمله قرآن کریم، مسبوق به سابقه است.

۴. نشانه‌های وقف و ابتدای کنونی به هیچ عنوان جایگزین نشانه‌های نگارشی نخواهد بود، چرا که از لحاظ کمی معمولاً در مکان‌های خاصی و با در نظر گرفتن طول آیه برای تجدید نفس قرار داده شده‌اند. زیاد کردن این نشانه‌ها نیز راهگشا نیست، چرا که این نشانه‌ها از لحاظ کیفی نیز با نشانه‌های نگارشی متفاوت‌اند و مدلول علائم وقف و ابتدا با مدلول برخی از نشانه‌های نگارشی مانند نشانه‌های غرض‌های خاص کلامی، نشانه‌های دربرگیرنده و نشانه‌های ساختاری همپوشانی ندارد.

۵. هرچند در مواردی اجازه نشر قرآن کریم بر اساس رسم الإملاء نیز صادر شده است و هرچند از لحاظ تاریخی، خط قرآن کریم دستخوش تغییراتی شده است، ولی درج نشانه‌های نگارشی مربوط به ضبط المصحف است و با حفظ رسم‌المصحف و نگارش کنونی آن نیز، می‌توان نشانه‌های نگارشی را در نوشته قرآن درج کرد و این دو تنافی و تناقضی با هم ندارند.

پی نوشت‌ها

۱. برای مثال ر.ک. الحموز، ۱۴۱۲ق، صص ۵۸ و ۶۰ به کارگیری خط در جملات معترضه قرآن کریم؛ ص ۸۲ به کارگیری نشانه پرسش؛ ص ۹۵ نشانه توجه؛ ص ۹۶ به کارگیری نشانه استفهام انکاری (!؟)

۲. در سال ۱۳۳۷ق محمد بن علی بن خلف الحسینی، شیخ القراء مصر، مصحفی را به خط خود نگاشته و در آن شش علامت (م، ج، لا، قلی، صلی، ::) را به عنوان علائم وقف به کار گرفته است. این علامت‌ها به دلیل استفاده شدن در قرآن‌های به خط عثمان طه در سراسر بلاد اسلامی تا کنون رواج یافته است (ابیاری، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۴۰۰).

۳. از مباحث مشترک کتب تاریخ قرآن بحث کتابت و کتاب وحی است که نشان می‌دهد در همان زمان پیامبر اکرم (ص) با املای ایشان کار کتابت انجام می‌شده است. آیاتی مانند ﴿وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ﴾ (انعام: ۹۲/۶) نیز نشان می‌دهد که یکی از اسم‌های اصلی قرآن کریم «کتاب» است که به جنبه نوشتاری بودن قرآن، علاوه بر مقروء بودن آن اشاره دارد. ضمن اینکه آیه ﴿وَقَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا﴾ (فرقان: ۵/۲۵) به این حقیقت اشاره دارد که احیانا مشرکان، قرآن کریم را به صورت مکتوب نزد پیامبر اکرم (ص) می‌دیدند.

۴. مانند «المقنع فی معرفة مرسوم أهل الأمصار» ابو عمرو دانی، قصیده «عقيلة أتراب القوائد» شاطبی و شرح آن «تلخیص الفوائد» ابن قاصح، قصیده «مورد الظمان» سروده خراز آندلسی و شرح آن «دلیل الحیران» مارغنی تونسسی. محققان کتاب «البرهان فی علوم القرآن» اثر زرکشی، فهرستی از این کتب را در پاورقی ذیل عنوان نوع بیست و پنجم جمع‌آوری کرده‌اند (ر.ک. زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۲، صص ۵-۱۰).

۵. روایاتی که با لفظ «جرِّدوا» یا غیر آن، خالی کردن قرآن از نشانه‌ها و نقاط و غیره را طلب می‌کند، روایات تجرید می‌نامند. کتاب المصاحف برخی از این روایات و همچنین، روایات تجویز این کار را جمع‌آوری کرده است (سجستانی، ۱۴۲۳، صص ۳۱۶-۳۱۸).

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، پرونده شماره ۹۰، قم: انتشارات دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۶/۶/۲۰ ش.
- قرآن کریم، پرونده شماره ۱۳۱، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب، ۱۳۷۸/۱۰/۲۵ ش.
- قرآن کریم، برقم ۱۴۴، الجمهورية العربية السورية: إدارة الإفتاء العام والتدريس الديني وأربعة مراكز أخرى في مصر، المملكة العربية السعودية والأردن، ۱۹۷۷/۲/۵ م.
- قرآن کریم، نسخه خطی تخمین زده شده به سال ۶۴۵ میلادی به خط نسخ حجازی، کتابخانه کدبری دانشگاه بیرمنگام انگلستان، آدرس: <https://b2n.ir/872583>
- قرآن کریم، نسخه یوسف سلیمان در سال ۸۴۵ ق در بخش نسخه‌های خطی دانشگاه ملک سعود، آدرس: <https://b2n.ir/158993>
- قرآن کریم، نسخه کتابخانه دیجیتال دولتی برلین به شماره Ms. or. quart. 311، آدرس: <https://b2n.ir/255369>
۱. آرام، احمد؛ «نقطه گذاری»، مجله راهنمای کتاب، شماره اول، ۱۳۴۰ ش.
 ۲. ابراهیم، عبد العلیم؛ الاملاء والترقیم فی الكتابة العربیة؛ قاهرة: مكتبة غریب، ۱۳۹۵ ق.
 ۳. ایباری، ابراهیم؛ الموسوعة القرآنیة؛ ج ۱، بی‌نا: مؤسسة سجل العرب، ۱۴۰۵ ق.
 ۴. ادیب سلطانی، میر شمس الدین؛ راهنمای آماده ساختن کتاب؛ تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ ش.
 ۵. تونسجی، محمد؛ فن الكتابة والقول، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۲۳ ق.
 ۶. جوارنة، یوسف عبد الله؛ «التنغیم ودلالته فی العربیة»، مجلة الموقف الأدبی (مجلة أدبیة شهریة تصدر عن اتحاد الكتاب العرب بدمشق)، العدد ۳۶۹، ۲۰۰۲ م.
 ۷. جیوفری، روبر؛ «فارس الشدایق والانتقال من ثقافة النسخ إلى ثقافة الطبع فی الشرق الاوسط»، عالم المعرفة، العدد ۲۹۷، ۱۴۲۴ ق.
 ۸. حموز، عبد الفتاح أحمد؛ فن الترقیم فی اللغة العربیة (أصوله وعلاماته)؛ عمان: دار عمار للنشر، ۱۴۱۲ ق.
 ۹. دانی، ابو عمرو عثمان بن سعید؛ المنفع فی رسم مصاحف الامصار مع كتاب النقط؛ تحقیق محمد الصادق قمحاوی، القاهرة: مكتبة الكليات الازهریة، بی تا «الف».
 ۱۰. _____، المحکم فی نقط المصاحف؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، بی تا «ب».
 ۱۱. رامین نژاد، رامین؛ برگ‌هایی نفیس از قرآن‌های منسوب به خط ائمه معصومین(ع)؛ مشهد: بنیان پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
 ۱۲. رامیار، محمود؛ تاریخ قرآن؛ تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۹ ش.
 ۱۳. زرقانی، محمد عبد العظیم؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن؛ بی‌جا: دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۱۴. زرکشی، محمد بن عبد الله؛ *البرهان في علوم القرآن*؛ به کوشش يوسف عبد الرحمن المرعشلی، جمال حمدی الذهبی و إبراهيم عبد الله الکردی، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۰ ق.
۱۵. زکی باشا، أحمد؛ *الترقيم وعلاماته في اللغة العربية*؛ مصر: مكتب المطبوعات الإسلامية، ۱۳۳۰ ق.
۱۶. سالم، عادل؛ «علامات الترقيم في الكتابة العربية ومواضع استعمالها»، آدرس: http://www.diwanalarab.com/spip.php?page=article&id_article=19986
۱۷. سجستانی، ابو بکر بن ابی داود؛ *كتاب المصاحف*؛ قاهرة: الفاروق الحديثة للطباعة والنشر، ۱۴۲۳ ق.
۱۸. شلبي، أحمد؛ *كيف تكتب بحثاً أو رسالة*؛ قاهرة: مكتبة النهضة المصرية، ۱۹۶۸ م.
۱۹. صالح، فخری محمد؛ *اللغة العربية أداءً ونطقاً وإملاءً وكتابةً*؛ منصوره: مطابع الوفاء، ۱۹۸۶ م.
۲۰. صفا، فضل الله؛ *آئين نگارش*؛ تهران: اقبال، ۱۳۷۴ ش.
۲۱. ضيف، شوقي؛ *مجمع اللغة العربية في خمسين عاماً*؛ قاهرة: مجمع اللغة العربية، ۱۴۰۴ ق.
۲۲. طريقه دار، ابو الفضل؛ *انواع ویرایش*؛ قم: موسسه بوستان كتاب، ۱۳۸۳ ش.
۲۳. عاشور، عبد القادر؛ «حروف التاج وعلامات الترقيم ومواضع استعمالها»، مكتبة لسان العرب، آدرس: https://lisanarabs.blogspot.com/۰۷/۲۰۱۷/pdf_۷۱۷.html
۲۴. عبد التوآب، رمضان؛ *مناهج تحقيق التراث بين التداوى والمحدثين*؛ قاهرة: مكتبة الخانجي، ۱۴۰۶ ق.
۲۵. عبد الغنى، أيمن أمين؛ *الكافي في قواعد الاملاء والكتابة وفقاً لقرارات مجمع اللغة العربية بالقاهرة*؛ مراجعة كمال بشر، محمود كامل الناقه، قاهرة: دار التوقيفية للتراث، ۲۰۱۲ م.
۲۶. عطاء الله، خليل؛ «*البريد الادبي*»؛ مجلة الرسالة، العدد ۲۱۶، ۱۹۳۷ م، آدرس: https://ar.wikisource.org/wiki/مجلة_الرسالة/العدد:216
۲۷. علي الصغير، محمد حسين؛ *تاريخ القرآن*؛ بيروت: دار المؤرخ العربي، ۱۴۲۰ ق.
۲۸. قباوة، فخر الدين؛ *علامات الترقيم في اللغة العربية*؛ حلب: دار الملتقى، ۱۴۲۸ ق.
۲۹. قدوري الحمد، غانم؛ *رسم المصحف*؛ عمان: دار عمار، ۱۴۲۵ ق.
۳۰. مامقاني، محمد رضا؛ *علامات الترقيم قديماً و حديثاً*؛ قم: مولود كعبه، ۱۴۲۱ ق.
۳۱. مجلة مجمع اللغة العربية بدمشق؛ «حروف التاج وعلامات الترقيم ومواضع استعمالها»، المجلد الحادي عشر، أيلول و تشرين الأول، ۱۹۳۱.
۳۲. محمد هارون، عبد السلام؛ *تحقيق النصوص و نشرها*؛ القاهرة: مكتبة الخانجي، ۱۴۱۸ ق.
۳۳. _____؛ *قواعد الاملاء وعلامات الترقيم*؛ به کوشش محمد إبراهيم سليم و نبيل عبد السلام هارون، قاهرة: دار الطلائع، ۲۰۰۵ م.

٣٤. مشوخی، عابد سليمان؛ *المخطوطات العربية مشكلات وحلول*؛ رياض: مكتبة الملك عبد العزيز العامة، ١٤٢١ ق.
٣٥. معرفت، محمد هادي؛ *التمهيد في علوم القرآن*؛ قم: مؤسسة النشر الاسلامي، ١٤١٥ ق.
٣٦. مصطفى، محمود؛ «تطور استخدام علامات الترقيم في اللغة العربية»؛ *مجلة مجمع اللغة العربية*، العدد ٧، ٢٠١٦ م.
٣٧. نووي، محيي الدين يحيى بن شرف؛ *التبيان في آداب حملة القرآن*؛ بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٢١ ق.
٣٨. نيكوبخت، ناصر؛ قاسم زاده، سيد علي، *دانش نشانه گداری در خط فارسی*؛ تهران: نشر چشمه، ١٣٩٠ ش.